

فساد اداری و راه های جلوگیری از آن

فساد در حکومت ها و ملت ها پدیده تازه نیست. این پدیده نا مشروع در برابر قانون شکنی و حق تلفی با تاریخ تمدن بشر همراه بوده، زوال و فروپاشی تمدن ها و در هم ریختن بنیاد جوامع بشری نیز ریشه در وجود همین پدیده منحوس داشته است. لذا قوام و استحکام جوامع و تمدن ها نیز در گرو مبارزه و ریشه کن ساختن این غده مهلک است. مبارزه مؤثر بخاطر ریشه کن ساختن یک پدیده منفور چون فساد در اداره به شناخت دقیق از عوامل و پیش زمینه های بروز آن نیاز دارد، فساد یکه من حیث خون نا پاک در شریان های اقتصاد، اداره، سیاست، روابط اجتماعی، قانون و کنش های اخلاقی جامعه ما جریان پیدا کرده است.

ریشه های درخت فساد از اثر استفاده نادرست و غیر قانونی از قدرت تنو مند میگردد و استفاده مطلوب از قدرت میزان رشد و تنومندی این درخت را کاهش میدهد. با ایجاد میکانیزم و سیستم سالم اداری، تر بیت سالم افراد و استخدام کدر های وطن دوست، خدا پرست و عاشق به میهن میتوان از شیوع و گسترش این پدیده جلوگیری نمود. در کشور هائیکه فساد با اخلاق، قانون و مقررات پیوند خورده، افراد منفعت طالب و خود کامه جهت حفظ موقعیت کاری و یا اندوختن ثروت به تخلف و قانون شکنی دست میازند و به این ترتیب اکثریت قاطع را دچار تأثر و خفقان نموده از فلج شدن سیستم و جامعه لذت می برند. بنیاد فساد چو شیدن خون عام مردم توسط افراد محدود است که خصلت زلو را داشته مرگ تدریجی را به ار مغان میاورند. مبارزه علیه این هیولای تباهنکن و جیبه انسانی و اسلامیست.

فساد بزرگ : فساد بزرگ یا فساد مادر عبارت از فساد سیاسیست که ستون های سیستم شکسته و در هم ریخته را بر شانه انسانها طماع، حریص، خودکش، بیگانه پرور و فساد پرور گذاشته تا معبری باشد برای رسیدن ابر قدرت ها به اهداف شان. در افغانستان همه انواع فساد وجود دارد. فساد بخاطر حفظ قدرت، تراکم سر مایه و رسیدن به اهداف دراز مدت که همه اینها قانون را بقربانی میگیرند. فسادیکه به دوستان بین المللی نسبت داده میشود فساد سیاسی است ایشان بخاطر یک سلسله اهداف مرموز و پیچیده از مهره های صیقل شده تاریخ دل و وطن فروش که شایستگی قانونی هم ندارند دفاع و حمایت نموده تا من حیث پل عبوری جهت رسیدن به اهداف دراز مدت شان در درون نظام شانه خم کنند... سر در گمی در معرفی کابینه جدید نیز در پنجه همین بازی های خطر ناک است. در چنین حالتی هم قانون پایمال میشود و هم نورم ها و ارزش های ساختاری دولت و اخلاقی جامعه در هم میشکند، اما برای هدفداران سیاسی فرق نمیکند که قانون نقض شده و یا منافع ملی یک کشور صدمه دیده است مهم این است که ایشان با نصب دلچک های بیگانه با قانون و سعادت مردم چند قدم به هدف خویش نزدیک تر شده اند.

عوامل بروز فساد اداری.

شاید فساد در اکثر کشور های جهان وجود داشته باشد از آنجائیکه هر کشور شرائط بخصوص خود را دارد اما بملاحظه شرائط موجود به عوامل بروز و گسترش فساد در افغانستان که در بساط تمام حیات جامعه ما تنیده شده بشرح ذیل اشاره میکنیم.

- 1- **ابهام در قوانین:** تناقض و تداخل در مواد قانون که هر لحظه تفسیر طلب است کار را به مفسرین نا آگاه و فرصت طلب میسپارد و زمینه تأویل توجیح تا سر حد نقض قانون و اشاعه فساد را هموار میسازد. در افغانستان کنونی این واقعیت از قانون اساسی شروع تا مقررۀ کوچک یک اداره بوضوح مشاهده میگردد.
- 2- **بیسوادی :** ناآگاهی مردم عادی از قوانین و مقررات جاری نسبت به حقوق شان که معلول بی توجهی رسانه های عمومی است نیز عامل عمده در بروز فساد شناخته شده. وقتی افراد مواد قانون را ندانند هر مأمور پائین رتبه و بلند رتبه تعلل و کار شکنی نموده شخص را به پرداخت رشوه و ادار میسازد.

- 3- **مغلق بودن سیستم اداری:** میکا نیزم و سیستم فعلی خیلی پیچیده بوده طی مراحل کار های اداری و قضائی خیلی زمان گیر است طوریکه باعث سر گردانی مراجعین میشود، همان است که غده بخاطر نجات از سر گردانی اداره و رسیدن به کار دیگر با پرداخت پول زمانی سر گردانی خود را خریداری میکنند و خود را از شر گیر ماندن در پنجه چندین مأمور حریص و پول طلب نجات میدهد....

4- **بر تری جوئی قومی وگروھی**: وجود جناح‌های سیاسی مختلف و مراکز قدرت قومی در یک جامعه در مواردی باعث می‌شود وابستگان آنها برای حفظ موقعیت یا منافع جناح خود قوانین و مقررات را پایمال و بدینوسیله قانون شکنی و فساد پروری میکنند. عده حفظ چوکی را به قیمت پول و حتی حیثیت خریداری میکنند تا باشد تسلط و اشرفیت قومی وگروھی خود را به دیگران به نمایش بگذارد...

5- **وابستگی یا عدم استقلال نهاد های قضای**: نبود مراجع مشخص و بی‌طرف برای رسیدگی به شکایت‌های مردم نیز باعث دلسردی ایشان از حاکمیت قانون شده فساد را رشد میدهد. ار گانهای قضائی موجودیت خود را در گرو حمایت نهاد های اجرائی میدانند و بیشترین فساد را هم ار گانهای اجرائی و امنیتی مر تکب میشوند. لذا کس نمیتواند حامی و ولی نعمت خود را به پنجه قانون بسپارد. ما فعلا در چنین وضعیتی قرار داریم. شما می بنید بر خلاف ار گانهای قضائی نهاد ها و افراد دیگری در جهت رهای متهمین تصمیم میگیرند؟ دلیلش ضعف و وابستگی قضا و قانون به قدرت های فساد مدار است.

6- **بی تمیزی**: فقدان قوانین و مقررات مجازات و مکافات برای افراد قانون شکن و قانون پذیردلیلی دیگری بر وجود فساد است. در کشوری که تمیز بین قند و قروت نباشد و حافظ و پاسدار قانون در پای قانون شکن اقتیده باشد فساد طبعاً رشد میکند و ملت قدم به تباھی میگذارد. در چنین فضای شوق و انگیزه برای دفاع از قانون و سائر ارزش ها وجود نداشته انسانها خود را بی تکلیف احساس میکنند جامعه بلا تکلیف منتظر همه مصیبت ها از جمله فساد خواهد بود.

7- **پائین بودن سطح در آمد**: در کشوری که عاید کار گر یا شهر وند با نرخ تورم بازار هم آهنگ نباشد کار گر چگونه به زندگی خود ادامه میدهد؟ درین صورت دولت و قانون گذاران مکلف اند عاید شهر دندان را با مصارف و یا نرخ روز عیار سازند. اگر مصرف غذا، دوا، لباس و مسکن که نیاز ابتدائی و اجتناب نا پذیر است در ماه بالای ده هزار افغانی باشد عاید سه تا پنجهزار افغانی پاسخگوئی نیاز مندی مردم نیست. لذا فرد بخاطر نجات از مرگ بفساد دست میزند فرق نمیکند رشوت باشد یا دزدی و یا قا چاق مقصد هنجار شکنی میکند چون زندگی اش از محدوده قانون و هنجار و شرائط عادی و نور مال بیرون است.

چگونه میتوان بافساد مبارزه کرد؟

من درین نوشته به برخی عوامل شیوع این مرض اشاره کرده ام طبعاً عمل در مسیر مخالف این عوامل رشد روز افزون فساد را کاهش خواهد داد. اما راه های بیرون رفت ازین بحران به یک تحقیق کار شناسانه نیاز دارد که وظیفه دانشمندان و متخصصین امور است و من حیث ارتباط به چند ویژه گی یا شاخصه اشاره میکنم که شاید در جهت گشودن گره این معضل اجتماعی سیاسی کمی مفید باشد.

* در قدم اول پاک بودن زعیم ، تنبیه و مجازات شدید متخلفین ، مفسدین و قاتنون شکنان وجدان تاریک و مسئولیت گریز.

* ایجاد تغییر در سیستم و نظام اداریه نحویکه کار های عادی مستلزم طی مراحل سلسله وار نباشد و زمینه مشکل تراشی را مساعد نسازد و یا اینکه خود مسئولین بدون مراجعه شهر وندان من حیث مسئولیت قانونی به موضوعات حقوقی و مسئولتی شهر وندان رسیدهگی کنند.

* توظیف همکاران با داشتن صلاحیت متوازن در اداره و گرفتن قدرت مطلق از یک شخص بنام رئیس، رئیس و مدیر با داشتن قدرت منحصر بخود مردم را مجبور به پرداخت رشوت میکنند. اما اگر چند نفر صلاحیت اجرا کار را داشته باشند و چند تن هم صلاحیت نظارت و ارزیابی در انصورت کسی به مشکل مواجه نمیشود و به پرداخت رشوت هم مجبور نمیگردد.

* تغییر و چرخش در مسئولین پست های دولتی میتواند در کاهش فساد مؤثر باشد کسانیکه طور دراز مدت بر یک چوکی تکیه زده اند در صورتی نا اهل بودن زوایا منفذ ها و سوراخ هارا بخاطر فساد کاری خوبتر میدانند بهتر است زود تر تبدیل شوند و شخص جدید مسئولیت را بعهده بگیرد.

* هر چند خصوصی سازی و ایجاد فضای رقابت سالم نیز یکی از روش ها هست اما دولت افغانستان نسبت عدم تسلط بر نفس، قدرت کنترل و اداره این شرکت هارا ندارد همان است که روز بروز تفاوت طبقاتی در کشور روبه رشد است و شرکت دار ها گوشت و پست مردم فقیر را کهنه اند و اگر دولت حاکمیت و اداره کامل داشته باشد خصوصی سازی تدریجی امور نیز برای کاهش فساد مفید است. حرف های دیگری نیز من حیث شعار و یک مفهوم کلی مطرح است که مهمترین آن نظام شایسته سالار و غیره است که ذکر شان تکرار شعار های غیر عملی خواهد بود.....

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درېنت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادښت: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ